



## خوشه‌های عدالت

ضرورت خوشه بندی در اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها

حسین میسبی<sup>۱</sup>

محسن عبدالهی<sup>۲</sup>

### ۱. مقدمه:

مختلف، در دولت‌های قبل تلاش اساسی در این راستا انجام نگردید. تا اینکه در دولت نهم مسئله هدفمندسازی یارانه‌ها به عنوان یکی از سرفصل‌های مهم در طرحی جامع به نام «طرح تحول اقتصادی» مطرح گردید و با تلاش‌های زیاد و شبانه‌روزی که به دولت دهم نیز کشیده شد، پیگیری‌های مرتبط با آن ادامه یافت. این طرح که قطعا یکی از مهمترین اقدامات اصلاحی در

به دلیل چالش‌های گوناگونی که نظام پرداخت یارانه در ایران با آن مواجه بوده و هست، مسئله هدفمندسازی یارانه‌ها همواره یکی از مسائل اصلی دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران بوده است. به عبارت دیگر مسئله هدفمند نمودن پرداخت یارانه‌ها مسئله جدیدی نیست و در تمامی دولت‌ها به طرق گوناگون مطرح بوده است؛ اما با این حال و به دلایل

حوزه اقتصاد ایران در چند دهه اخیر است، قرار است در نیمه دوم سال ۸۹ اجرایی شود.

یکی از مسائل مهم در طرح نقدی کردن یارانه‌ها که در تأمین اهداف اعلام شده برای این طرح و به طور مشخص عدالت اجتماعی اثر قابل توجهی دارد، خوشه‌بندی است. در واقع به علت اینکه قرار است که با اجرای طرح تحول، یارانه به صورت نقدی پرداخت شود و پرداخت نقدی نیز می‌بایست بر اساس معیاری صورت گیرد که بر اساس آن بتوان میزان استفاده از یارانه‌ها را به سمت عدالت بیشتر سوق داد، مراجع مربوط به این نتیجه رسیدند که معیار این تقسیم‌بندی را درآمد خانوار قرار دهند و جامعه را به گروه‌هایی که به اصطلاح به آنها خوشه گفته می‌شود، تقسیم کرده‌اند؛ چرا که میزان درآمد می‌تواند معرفی باشد از میزان استفاده از یارانه پرداختی (ریاست جمهوری، ۱۳۸۸).

در رابطه با خوشه‌بندی در پرداخت یارانه‌ها نیز گرچه تحقیق جامعی انجام نشده است، اما برخی اظهارنظرها و مصاحبه‌ها در این زمینه وجود دارد. در این میان، مواردی وجود دارند که با عنوان تحقیق حاضر مرتبط می‌شوند و لذا لازم است به بعضی از مهمترین آن‌ها اشاره شود. به عنوان نمونه برخی از صاحب‌نظران این طور مطرح کرده‌اند که اصولاً پرداخت نقدی به مردم با موازین اسلامی سازگار نمی‌باشد و دولت اسلامی نمی‌تواند به صورت نقدی به افراد جامعه (مسلمین) پرداخت انجام دهد. برخی دیگر از محققین نیز یارانه را در زمره مفهوم فقهی صدقه تعریف کرده‌اند و بر این اساس پرداخت یارانه به کالاهای فاقد مؤید فقهی دانسته‌اند؛ در این دیدگاه یارانه فقط باید به افراد پرداخت شود. برخی دیگر از صاحب‌نظران ضمن پذیرش امکان‌پذیر بودن پرداخت نقدی بر اساس موازین اسلامی، مسئله تساوی افراد در دریافت یارانه را مطرح می‌کنند. معمولاً دلیل این افراد برای ادعا پرداخت مساوی بیت‌المال توسط امیرالمؤمنین علی (ع) در دوران چند ساله حکومت درخشان خویش است.<sup>۵</sup>

همان طور که از این اختلاف دیدگاه‌ها مشخص می‌گردد هنوز سؤالاتی بی‌پاسخ در رابطه با اصل پرداخت نقدی منابع بیت‌المال توسط دولت اسلامی و همچنین حق دولت در ایجاد تبعیض میان دریافت‌کنندگان وجود دارد. به عبارت دیگر هنوز برخی سؤالات فقهی بی‌پاسخ در این زمینه وجود دارد. به طور مشخص، اینکه اصل پرداخت نقدی یارانه‌ها (که از منابع بیت‌المال تأمین می‌شود) چه حکمی دارد؟ و آیا دولت اسلامی لازم است یارانه‌ها را به صورت مساوی بین تمامی افراد جامعه (مسلمین) تقسیم کند؟ در آنچه در پی می‌آید تلاش می‌شود تا به صورت مختصر به این سؤالات پاسخ داده شود. ساختار بحث بدین صورت است که در قسمت بعد اشاره‌ای به تاریخ بیت‌المال و تقسیم آن در اسلام شده و بعد از آن منابع بیت‌المال مورد بحث قرار می‌گیرد. پس از تعیین منابع، مسئله دسته‌بندی این منابع مطرح شده و در رابطه با مالکیت آن توضیح داده می‌شود. ثمره طبیعی مشخص کردن مالکیت، وجود یا عدم وجود حق برای دولت اسلامی در جهت پرداخت نقدی و یا رعایت مساوی در تقسیم منابع بیت‌المال می‌باشد. در نهایت مباحث فقهی و تاریخی طرح شده در رابطه با طرح نقدی کردن یارانه‌ها کاربردی می‌شود.

## ۲. تعریف بیت‌المال و سابقه تاریخی آن در جهان اسلام

بررسی ادبیات موجود در حوزه بیت‌المال نشان می‌دهد که واژه «بیت‌المال» به لحاظ لغوی از دو کلمه «بیت» و «مال» تشکیل شده است. بیت در زبان عربی به معنی خانه است و همان طور که در زبان عرب به خانه‌ای که از آن دانشمندی برخاسته‌اند «بیت‌العلم» گفته می‌شود، به محلی که در آن درآمدهای دولت اسلامی قرار می‌گیرند نیز بیت‌المال گفته می‌شود (نسوری، ۱۳۶۳، ص ۲۲). اما به لحاظ مفهومی و اصطلاحی بیت‌المال حداقل در دو معنا به کار می‌رود؛ گاهی به معنای اموال عمومی، حکومتی و هر آنچه که مردم به نحوی در آن حق دارند، استعمال می‌شود و گاهی به معنای مکانی که اموال عمومی در آن نگهداری می‌شود. معنای اول قائم به اموال است و معنای دوم قائم به مکان (کرجی، ۱۳۸۰، ص ۴۲).

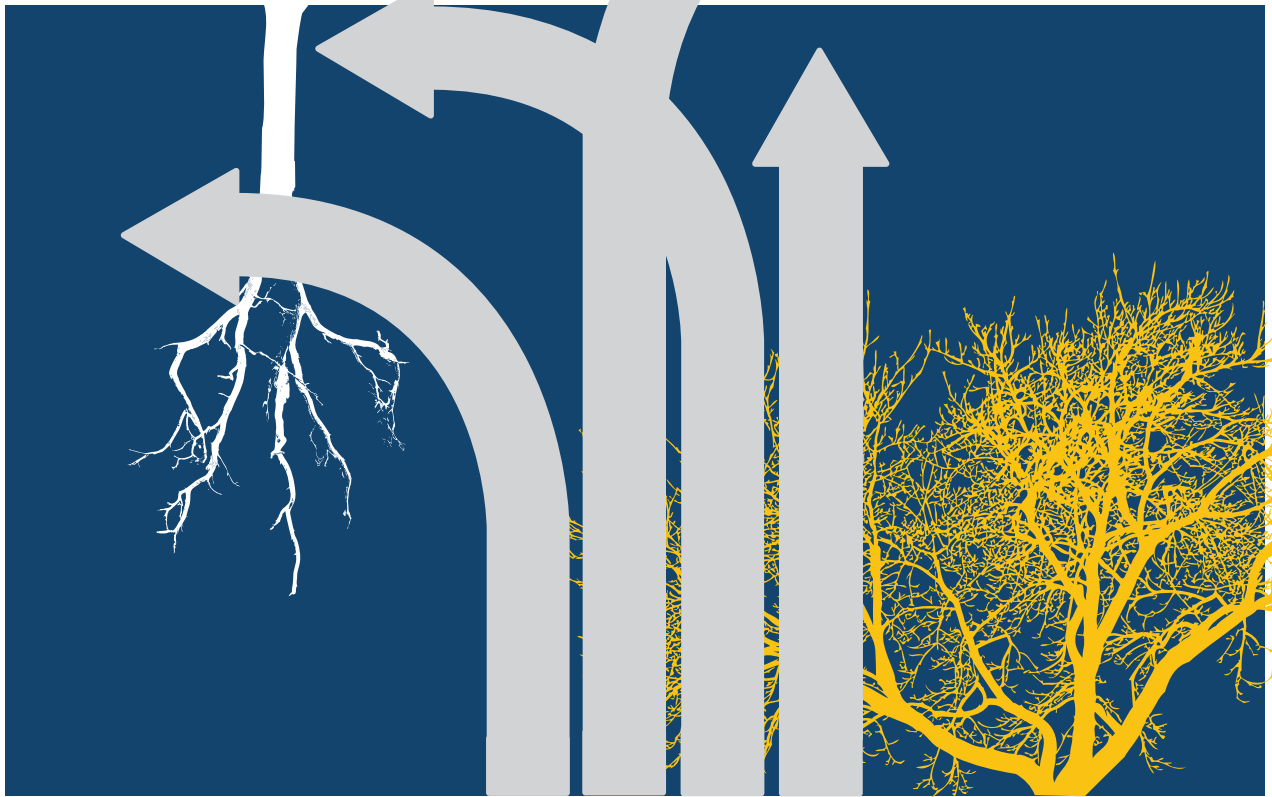
از دیدگاه تاریخی نیز دولت‌های بزرگ پیش از اسلام دارای سازمان‌های مالی گسترده‌ای بودند؛ اما شبه جزیره عربستان به دلیل فقدان حکومت واحد، دارای چنین تشکیلاتی نبود. بزرگ‌ترین واحد اجتماعی آن، قبیله بود که رئیس آن سرپرستی و حاکمیت داشت و در اغلب موارد فرمانش به عنوان قانون رسمی محسوب می‌شد. اما با ظهور و پیشرفت اسلام، به ویژه پس از استقرار حکومت اسلامی در مدینه، نیاز به تأسیس نهاد جدیدی برای نگهداری اموال عمومی احساس گردید (رفیعی محمدی، ۱۳۸۴، ص ۸۰). در اسلام نخستین کسی که «بیت‌المال» را تأسیس کرد، شخص پیامبر اسلام (ص) بود. بیت‌المال نخست به صورت ابتدائی در خانه رسول اکرم (ص) و به دستور آن حضرت تشکیل یافت و هر چه بر وسعت تشکیلات مسلمین و قلمرو حکومت اسلامی افزوده می‌گردید، به تدریج دایره بیت‌المال نیز توسعه می‌یافت (ابن خلدون، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۲۵۶).

## ۳. منابع درآمدی دولت اسلامی (منابع بیت‌المال)

به لحاظ منطقی، پیش از آنکه وارد تقسیم‌بندی منابع بیت‌المال و تحلیل فقهی یارانه و خوشه‌بندی شویم، لازم است ابتدا منابع درآمدی دولت اسلامی (منابع بیت‌المال) را شناسایی کنیم و در مورد هر یک حداقل به موضوع مالکیت و مصرف بپردازیم. به نظر می‌رسد می‌توان بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت اسلامی را در قالب موارد ذیل خلاصه کرد: زکات، خمس، انفال و فیه، جزیه، خراج و مقاسمه، و مالیات‌های حکومتی. در ذیل به توضیح مختصر هر یک از این موارد می‌پردازیم:

### ۱-۳- زکات

زکات در لغت به معنای پاک کردن، پاک‌سازی، و همچنین نماز رشد یافتن. در اصطلاح فقهی نیز نوعی مالیات منصوص و معین می‌باشد که هر مسلمان متمکن لازم است بعنوان فریضه مالی و حق فقرا در اموال خویش بپردازد (اجتهادی، ۱۳۵۲، ص ۱۰۱). موارد زکات در قرآن کریم ذکر نشده است و فقها با استناد به روایتهای دینی آن‌ها را مشخص کرده‌اند و گرچه در این رابطه اتفاق نظر وجود ندارد، اما بیشتر فقها بر این باورند که زکات تنها به موارد نهگانه تعلق می‌گیرد که عبارت‌اند از: شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره، گندم، جو، خرما و کشمش. در رابطه با مصارف زکات نیز لازم به ذکر است، این منبع بیت‌المال از جمله مواردی است که مصارف خاصی در قرآن



می‌آید آن است که خمس به طور کامل ملک امام (ع) است، ولی در نصف آن جهات مصرف مشخص شده است (صاحب جواهر، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ص ۱۱۵).

### ۳-۳- انفال و فیه

انفال در لغت از «نفل» گرفته شده که به معنای زیادی است. اما در خصوص معنای اصطلاحی، صاحب جواهر انفال را اینگونه تعریف می‌کند: «انفال عبارت است از هر مالی که اختصاص به مقام نبوت و ولایت امر دارد» (صاحب جواهر، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ص ۱۱۶). در رابطه با مالکیت و مصارف انفال نیز لازم به ذکر است بر اساس نص صریح قرآن در آیه اول سوره انفال، این دسته از منابع بیت‌المال متعلق به خدا و پیامبر است و روشن است که بعد از پیامبر (ص) ملک حکومتی فردی است که رهبری جامعه اسلامی را بر عهده می‌گیرد (رفیعی، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

یکی از مباحثی که لازم است با توجه به اهداف این تحقیق، در این قسمت طرح کنیم، کاوش در رابطه با یکی از مصادیق انفال، یعنی معادن است. بررسی ادبیات فقهی در این رابطه نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از فقها، معادن را به طور کلی از انفال و در ملک امام دانسته‌اند و فرقی از جهت ظاهری و باطنی بودن معدن و نیز میان معادنی که در اراضی انفال واقع شوند و دیگر اراضی نمی‌گذارند (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۱، ص ۵۲۸).

### ۳-۴- جزیه

«جزیه» در لغت از ماده «جزاء» گرفته شده است و عبارت است از یک نوع مالیات سرانه سالانه که از اهل کتاب (یهودی،

کریم برای آن تعیین شده است. به طور مشخص، از آیه ۶۰ سوره توبه این طور استفاده می‌شود که زکات باید در هشت مورد مصرف گردد که توضیح این موارد به خوبی در کتب فقهی طرح شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ص ۱۴). اما در رابطه با مالکیت زکات نیز گرچه دیدگاه‌های مختلفی طرح شده‌اند، اما برخی تحقیقات (مزینانی، ۱۳۷۸) به خوبی نشان داده‌اند که گرچه زکات ملک امام نبوده و ملک دریافت‌کنندگان است، اما تولیت و نظارت بر توزیع و مصرف زکات با حاکم جامعه اسلامی است.

### ۳-۲- خمس

خمس در لغت به معنای یک پنجم است و در اصطلاح عبارت از اعطای یک پنجم برخی اموال و درآمدهای مسلمان جهت استفاده در مصارف خاص می‌باشد. تنها آیه‌ای که در مورد خمس در قرآن آمده یا در غزوه بنی‌قینقاع نازل شده و یا در جنگ احد. به هر حال در سال‌های اول هجرت بوده است (نوری، ۱۳۶۳، ص ۱۸). در رابطه با موارد مشمول حکم خمس می‌توان گفت اکثر فقهای اهل سنت عقیده دارند که خمس تنها بر غنایم جنگی وضع شده است. اما علمای مذهب حقه تشیع، بر اساس روایات، خمس را در هفت مورد و بر اساس شرایطی واجب می‌دانند. این هفت مورد عبارت‌اند از: منفعت کسب، معدن، گنج، مال حلال مخلوط به حرام، جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا بدست می‌آید، غنیمت و زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد (حمیمی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۵۶). در رابطه با مالکیت خمس نیز می‌توان گفت آنچه از منابع فقهی بدست

#### ۴-۱- دسته‌بندی منابع بیت‌المال (به لحاظ مالکیت)

با استفاده از تحلیل‌های بخش قبل، می‌توان تمامی منابع بیت‌المال را به لحاظ مالکیت به دو گروه تقسیم نمود. گروه اول که می‌توان نام آن را «بیت‌المال امام» نهاد، شامل مواردی است که مالکیت آن در اختیار امام (ع) قرار داشته و در صورت غیبت ایشان در اختیار نائب خاص و یا عام وی، که در جایگاه امامت مسلمین است، قرار می‌گیرد. همچنین منابعی که در گروه اول قرار می‌گیرند را می‌توان در سطح بعد و بر اساس مشخص بودن و یا نبودن موارد مصرف به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول شامل مواردی است که گرچه مالکیت آن در اختیار امام قرار دارد، اما شریعت مقدس، مصارف معینی را برای آن معین نموده که لازم است امام (ع) این منابع را در موارد معین شده مصرف کنند. مهمترین مثال برای این دسته از منابع بیت‌المال، سهم سادات از خمس می‌باشد. اما دسته دوم از گروه اول، شامل مواردی است که مصارف آن در شرع مشخص نشده و کاملاً به صلاح‌دید امام (ع) مرتبط می‌شود. مهمترین مثال‌ها برای این دسته از منابع بیت‌المال، انفال، فیء، جزیه، سهم امام از خمس، و مالیات‌های حکومتی می‌باشند. اما گروه دوم که می‌توان آن را «بیت‌المال مسلمین» نامید، شامل مواردی است که مالکیت آن در اختیار مسلمین بوده و امام تنها تولید و نظارت بر جمع‌آوری و مصرف را بر عهده دارد. این گروه از منابع بیت‌المال را نیز می‌توان در سطح بعد و بر اساس اینکه متعلق به عموم مسلمین است یا متعلق به گروه‌های خاص از مسلمین، به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول که متعلق به تمامی مسلمین است، شامل مواردی چون خراج و مقاسمه می‌گردد و دسته دوم که متعلق به گروه‌های خاص از مسلمین است، تنها شامل زکات می‌شود.

#### ۴-۲- پرداخت نقدی بیت‌المال

سؤالی که لازم است در این قسمت به آن پرداخته شود، آن است که آیا به لحاظ فقهی، امام (ع) که در مورد بخشی از منابع بیت‌المال (بیت‌المال امام) دارای مالکیت و حق نظارت بوده و در مورد بخش دیگری از منابع بیت‌المال (بیت‌المال مسلمین) تنها دارای حق نظارت است، می‌تواند سهم افراد از بیت‌المال را به صورت نقدی به آن‌ها پردازد؟ به عبارت دیگر، آیا امام (ع) می‌تواند منابع بیت‌المال (به عنوان نمونه نفت استخراج شده از چاه‌های نفت و یا زکاتی که به صورت کالا می‌باشد) را به فروش رسانده و درآمد حاصل را به صورت نقدی به افراد ذیحق پرداخت نماید؟ به نظر می‌رسد به لحاظ فقهی پاسخ به این سؤال مثبت است. دلیل این امر آن است که عرف جامعه، تفاوتی بین دریافت کالایی و یا نقدی منابع بیت‌المال قائل نمی‌شود. همچنین بررسی منابع فقهی نیز نشان می‌دهد مواردی وجود دارد که حضرات معصومین مجوز پرداخت نقدی به جای پرداخت کالایی را داده‌اند. به عنوان نمونه در باب زکات فطره، موثقه اسحاق ابن عمار قابل ذکر است. در این روایت اسحاق ابن عمار از امام صادق (ع) سؤال می‌کند که آیا می‌توان به جای زکات فطره، قیمت آن را به فقیر پرداخت کرد که امام در پاسخ می‌فرماید: «پرداخت نقدی برای فرد مفیدتر است؛ و می‌تواند آنچه نیاز دارد را خریداری کند» (حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۵).

#### ۴-۳- مسئله مساوات در تقسیم بیت‌المال

سؤالی که در این قسمت باید به آن پاسخ داده شود آن است که

نضاری و مجوس) که در پناه حکومت اسلامی هستند، گرفته می‌شود. جزیه همانگونه که از لفظ آن پیداست، جزائی (دستمزدی) است که از اهل کتاب در برابر حفظ مال و جانشان گرفته می‌شود. به عبارت دیگر جزیه را می‌توان مالیاتی دانست که حاکم اسلامی از اهل کتاب اخذ نموده و در مقابل امنیت و آسایش آن‌ها را در کشور اسلامی تأمین می‌کند. همچنین به نظر می‌رسد تمامی فقها با استناد به آیه ۲۹ سوره توبه، جواز دریافت جزیه از اهل کتاب را مورد تأیید قرار داده‌اند (صابریان، ۱۳۸۵، ص ۸۱).

#### ۴-۵- خراج و مقاسمه

«خراج» در اصطلاح فقهی عبارت است از مال‌الاجاره‌ای که حاکم اسلامی از طریق اجاره دادن اراضی مفتوح‌العنوه وصول می‌کند. اراضی مفتوح‌العنوه به زمین‌هایی گفته می‌شود که مسلمانان به امر امام و با جنگ از کفار می‌گیرند که شامل باغ‌ها، تأسیسات و ساختمان‌های موجود در آن اراضی نیز می‌شود. لازم به ذکر است اگر واگذاری اراضی در قالب عقد مزارعه صورت می‌گرفت، مالیات اخذ شده «مقاسمه» نامیده می‌شد؛ چنان‌که اگر در قالب عقد اجاره قرارداد می‌شد، مالیات دریافتی، خراج نامیده می‌شد (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۱۳).

به لحاظ تاریخی گرچه در زمان پیامبر (ص) نیز یکی از منابع بیت‌المال خراج بود، ولی در آن زمان به دلیل فتوحات کم، این درآمد خیلی زیاد نبود. اما پس از پیامبر (ص)، در زمان خلافت ابوبکر که فتوحاتی دیگر نصیب مسلمین شد و سپس در زمان عمر، که فتوحات بسیاری برای مسلمین بوجود آمد، خراج اراضی، به بزرگترین منبع درآمدی بیت‌المال مبدل گشت. به طوری که بر اساس شواهد تاریخی درآمدهای منابع دیگر بیت‌المال نسبت به درآمد خراج بسیار ناچیز بود. این وضعیت در دوران حکومت درخشان امیرالمؤمنین علی (ع) و حتی دوران خلفای غاصب بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز ادامه داشت. در رابطه با مالکیت و مصارف خراج نیز باید به این مطلب اشاره کرد که خراج منبعی از بیت‌المال است که به همه مسلمانان تعلق داشته (مالکیت عمومی) و امام در رابطه با آن تنها تولید و نظارت مصرف را بر عهده دارد و نه مالکیت (رضایی، ۱۳۸۳، ص ۸۶؛ طوسی، ۱۳۸۰، ص ۱۳).

#### ۴-۶- مالیات‌های حکومتی

گروه دیگری از مالیات‌ها که می‌توان نام آن را مالیات‌های حکومتی دانست، به منظور حل مشکلات حکومت اسلامی و به تشخیص امام یا نائب وی وضع می‌گردد. مسلماً تشخیص مالکیت این نوع از منابع درآمدی بیت‌المال نیز در اختیار امام قرار داشته و با توجه به تشخیص و صلاح‌دید وی خرج می‌شود (اشتهاردی، ۱۳۵۷).

#### ۴. تقسیم بیت‌المال

در این قسمت از تحقیق لازم است به موضوع تقسیم منابع مختلف بیت‌المال پردازیم. به لحاظ منطقی، نحوه تقسیم منابع مختلف بیت‌المال که در قسمت پیش بررسی شدند، به مالکیت آن‌ها مرتبط می‌شود. از این رو در آنچه در پی می‌آید، ابتدا مسئله دسته‌بندی منابع بیت‌المال به لحاظ مالکیت را مطرح کرده و پس از آن به دو مسئله اصلی این تحقیق، یعنی پرداخت نقدی منابع بیت‌المال و همچنین مساوات دریافت‌کنندگان می‌پردازیم.



آیا بر امام (ع) لازم است که تمامی منابع بیت‌المال (شامل بیت‌المال امام و بیت‌المال مسلمین) را به صورت مساوی بین تمامی مسلمانان تقسیم کند؟ و آیا سیره حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در دوران حکومت درخشان خویش در رابطه با تقسیم مساوی بیت‌المال بین تمامی مسلمین در این رابطه قابل استناد است؟ به عبارت دیگر آیا از این سیره می‌توان این نتیجه را گرفت که لازم است امام مسلمین تمامی منابع بیت‌المال را مساوی تقسیم کند؟

با توجه به تحلیل‌هایی که تا این قسمت ارائه شد، به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤالات به راحتی قابل تبیین باشد. در واقع بر اساس تحلیل‌های فقهی انجام شده، تقسیم مساوی بیت‌المال در برخی موارد واجب، در برخی موارد حرام و در برخی موارد نیز مباح می‌باشد. اما مواردی که پرداخت مساوی بیت‌المال در آن ضروری است، بیت‌المال عموم مسلمین (شامل خراج و مقاسمه) است. چرا که تمامی مسلمین در این دسته از بیت‌المال حق برابر داشته و لازم است منابع آن به صورت کاملاً مساوی بین تمامی آن‌ها تقسیم گردد. از این رو، سابقه در اسلام، نژاد، فقر و ملاک‌ها و ویژگی‌های دیگر،

به هیچ وجه موجب پایین و یا بالا رفتن میزان سهم دریافتی نمی‌شود. اما مواردی که پرداخت مساوی بیت‌المال در آن حرام است، شامل دو مورد می‌شود. یکی از آن‌ها مواردی است که در تحلیل ارائه شده در قسمت قبل، در ذیل عنوان بیت‌المال امام با مصارف معین مشخص گردید (سهم سادات از خمس). مورد دیگری که پرداخت مساوی در آن جایز نیست، آن دسته از بیت‌المال مسلمین است که متعلق به گروه‌های خاصی می‌باشد (زکات مال و فطره). ویژگی مشترک این دو گروه آن است که مصارف آن‌ها توسط شارع تعیین گردیده است و نمی‌توان از آن تخلف نموده و این منابع را به صورت مساوی بین تمامی مسلمین تقسیم کرد. در نهایت، مواردی که پرداخت مساوی منابع بیت‌المال در آن‌ها مباح می‌باشد، شامل مواردی است که تحلیل ارائه شده، در ذیل عنوان بیت‌المال امام با مصارف نامعین مشخص گردیدند (شامل انفال، جزیه و غیره). در این دسته از منابع تقسیم مساوی و یا نامساوی منابع بیت‌المال به صلاح‌دید امام (ع) بستگی دارد که قطعاً بر اساس معیارهای عدالت صورت می‌پذیرد.

لازم است در اینجا به یک نکته نیز اشاره شود و آن اینکه که همان‌طور که در ذیل عنوان خراج و مقاسمه توضیح داده شد، در دوران حکومت ابوبکر و عمر، فتوحات بسیاری برای مسلمین بوجود آمد و از این‌رو خراج اراضی، بزرگترین منبع درآمدی بیت‌المال بشمار می‌رفت. این وضعیت در زمان حکومت درخشان امیرالمؤمنین علی (ع) نیز ادامه داشت؛ به نحوی که حجم منابع حاصل از خراج و مقاسمه در مقایسه با سایر منابع درآمدی بیت‌المال بسیار زیاد بود (نوری، ۱۳۶۳،

صص ۳۵-۳۷؛ جعفری، ۱۳۸۵، ص ۶۱). از این رو، بخش عمده‌ای از منابعی که حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) به صورت مساوی بین مردم تقسیم می‌کرد (و سیره پیامبر (ص) نیز همین بوده است)، منابع حاصل از بیت‌المال مسلمین بوده است و بررسی روایات و سیره که در بخش قبل انجام شد، موردی را نشان نداد که حضرت تمامی منابع بیت‌المال (شامل مواردی که مصارف مشخص دارند) را به صورت مساوی بین تمامی مسلمین تقسیم کرده باشد. حداکثر ادعایی که می‌توان کرد آن است که حضرت علاوه بر بیت‌المال تمامی مسلمین (شامل خراج و مقاسمه)، منابع حاصل از بیت‌المال امام (ع) که مصارف معین ندارند (شامل انفال، فسیء و غیره) را نیز به صورت مساوی تقسیم می‌کرد. اما از این مطلب نیز (در صورت اثبات) نمی‌توان ضرورت تقسیم مساوی را نتیجه گرفت. چرا که همان‌طور که در بالا عنوان شد، تقسیم مساوی بیت‌المال در این دسته از منابع مباح بوده و به تشخیص امام (ع) بستگی دارد و نمی‌توان از آن اصل مساوات را برداشت نمود. بنابراین می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که استناد به سیره امیرالمؤمنین علی (ع) به منظور اثبات ضرورت تقسیم مساوی تمامی منابع بیت‌المال بین تمامی مسلمین بلاوجه است.

#### ۵. پرداخت نقدی یارانه‌ها و مساله خوشه‌بندی

حالی که مباحث فقهی را مطرح کردیم، لازم است به طور مشخص به بررسی طرح نقدی کردن یارانه‌ها، پرداخت نقدی سهم خانوارها و مسئله خوشه‌بندی بپردازیم. همان‌طور که در مقدمه عنوان شد، بخش عمده‌ای از منابعی که قرار است در طرح نقدی کردن یارانه‌ها به خانوارها و

تولیدکنندگان پرداخت شود، منابعی است که در اثر فروش نفت، حاصل می‌شود.<sup>۷</sup> نفت مذکور نیز از معادن نفتی، که جزو معادن باطنی بوده و طبق نظر اکثر فقهای شیعه در زمره انفال قرار می‌گیرند، استخراج شده است. به عبارت دیگر و بر اساس مباحث مطرح شده، منابع حاصل از اجرای طرح نقدی کردن یارانه‌ها که قرار است بخشی از آن به صورت نقدی توزیع شود، در زمره انفال قرار می‌گیرد که مالکیت آن در اختیار امام بوده و مصارف آن نیز در شرع مقدس مشخص نگردیده و به صلاحدید امام (ع) و یا نایب وی (ولی فقیه) واگذار شده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که با توجه به صحیح بودن پرداخت نقدی منابع بیت‌المال، پرداخت منابع درآمدی طرح مذکور به لحاظ فقهی فاقد اشکال است. همچنین به نظر می‌رسد که خوشه‌بندی دریافت‌کنندگان و تبعیض بین گروه‌های مختلف، نیز فاقد اشکال باشد و امام ملزم به پرداخت مساوی نیست؛ چرا که این موارد در زمره بیت‌المال امام با مصارف نامشخص قرار داشته و تصمیم‌گیری در آن بر اساس صلاحدید امام (ع) و معیارهای عدالت انجام می‌شود. همچنین استناد به سیره درخشان و عادلانه امیرالمؤمنین علی (ع) در دوران زعامت خویش، در رابطه با تقسیم مساوی بیت‌المال، بلاوجه است؛ چرا که سیره مذکور به طور عمده در مورد بیت‌المال مسلمین (درآمدهای خراج و مقاسمه) جریان داشت و نه تمامی منابع درآمدی بیت‌المال.

#### ۶. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

این تحقیق طرح پرداخت نقدی یارانه و مساله خوشه‌بندی را از دیدگاهی اسلامی و در چارچوب منابع و مصارف بیت‌المال مورد بررسی قرار داد. در واقع تلاش کرد تا ضمن بررسی منابع درآمدی بیت‌المال، و ضمن تقسیم بیت‌المال به بیت‌المال امام و بیت‌المال مسلمین، دو مساله پرداخت نقدی منابع بیت‌المال و همچنین ضرورت رعایت مساوات بین دریافت‌کنندگان را مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از منابعی که قرار است در طرح نقدی کردن یارانه‌ها به خانوارها و تولیدکنندگان پرداخت شود، منابعی است که در اثر فروش نفت حاصل می‌شود و نفت مذکور نیز از معادن نفتی که جزو معادن باطنی بوده و طبق نظر اکثر فقهای شیعه در زمره انفال قرار می‌گیرند، استخراج شده است. از اینرو منابع حاصل از اجرای طرح نقدی کردن یارانه‌ها که قرار است بخشی از آن به صورت نقدی توزیع شود، در زمره انفال قرار می‌گیرد که مالکیت آن در اختیار امام بوده و مصارف آن نیز در شرع مقدس مشخص نگردیده و به صلاحدید امام (ع) و یا نایب خاص و عام وی واگذار شده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که با توجه به صحیح بودن پرداخت نقدی منابع بیت‌المال، پرداخت منابع درآمدی طرح مذکور به لحاظ فقهی فاقد اشکال است. همچنین به نظر می‌رسد که خوشه‌بندی دریافت‌کنندگان و تبعیض بین گروه‌های مختلف، نیز فاقد اشکال باشد و امام ملزم به پرداخت مساوی نیست؛ چرا که این موارد در زمره بیت‌المال امام با مصارف نامشخص قرار دارد و تصمیم‌گیری در آن بر اساس صلاحدید امام (ع) و معیارهای عدالت انجام می‌شود. همچنین استناد به سیره درخشان و عادلانه امیرالمؤمنین علی (ع) در دوران زعامت خویش در تقسیم مساوی بیت‌المال، بلاوجه

است؛ چرا که سیره مذکور به طور عمده در مورد بیت‌المال مسلمین (درآمدهای خراج و مقاسمه) جریان داشت و نه تمامی منابع درآمدی بیت‌المال. بنابراین آنچه مطرح شد، می‌توان ادعا کرد دیدگاه‌هایی که اصل پرداخت نقدی منابع بیت‌المال از دیدگاه اسلامی را مورد نقد قرار داده‌اند، و یا اینکه تمامی بیت‌المال را در ذیل عنوان صدقه درج کرده‌اند و یا اینکه با استناد به سیره امیرالمؤمنین علی (ع) در راستای اثبات ضرورت مساوات در دریافت یارانه‌ها کوشش کرده‌اند، قابل نقد و ناصواب می‌باشند. توصیه سیاستی این طرح به مسئولان دولتی و مجریان طرح نقدی کردن یارانه‌ها و سایر نهادهای مرتبط آن است که بنابر تحلیل‌های ارائه شده، دولت به لحاظ فقهی حق دارد تا منابع بدست آمده از بیت‌المال را به طور عام (به جز مواردی که مصارف آن مشخص شده است) و منابع بدست آمده از اجرای طرح نقدی کردن یارانه‌ها را به طور خاص، به صورت نقدی بین دریافت‌کنندگان توزیع کند و علاوه بر این، میان دریافت‌کنندگان بر اساس حکمت و مصلحت تبعیض قائل شود و به عبارت دیگر بر اساس قاعده عدالت و نه مساوات رفتار کند. قاعده‌ای که از طرف مجریان طرح نقدی کردن یارانه‌ها به عنوان مهمترین هدف از اجرای آن، بیان شده است.<sup>۸</sup>



۱- لازم به ذکر است، بر اساس آنچه که اعلام شده است، دولت تصمیم گرفته است در مرحله اول یارانه‌ها را به صورت کاملاً مساوی تقسیم کند و اعمال خوشه‌بندی‌ها به مراحل بعدی طرح واگذار شده است.

۲- به عنوان نمونه دکتر مسعود درخشان در این زمینه، ضمن رد هر گونه پرداخت نقدی و بلاعوض در اسلام بیان می‌دارد که: «پرداخت نقدی با اصول اسلامی سازگار نیست؛ چرا که در اسلام کمک بلاعوض نداریم؛ دیدگاه اسلامی این است که قشر مستضعف را مورد حمایت قرار بدهد اما از طریق تأمین اجتماعی به جای پرداخت نقدی» (به نقل از سایت الف به آدرس: [www.alef.ir](http://www.alef.ir) تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۸۹/۴/۱۸).

۳- به عنوان نمونه، دکتر بیژن بیدآباد در مقاله خود با عنوان «یارانه‌ها در ایران از ابعاد اقتصادی و فقهی»، بیان می‌کند که: «با محدود نمودن پرداخت صدقات به هشت گروه مذکور در آیه ۶۰ سوره توبه، پرداخت یارانه‌های عمومی در کالاهای مصرفی و تولیدی چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم و حتی در مورد کالاهای اساسی، دچار اشکال است. زیرا از لحاظ فقهی مجوزی نمی‌توان یافت که پرداخت یارانه به صورت عمومی بر کالاها صورت گیرد و فقط پرداخت یارانه به افراد در قالب گروه‌های هشت گانه مذکور در آیه قابل استناد است» (به نقل از سایت دکتر بیدآباد به آدرس: [www.bidabad.com/doc/yaraneh.pdf](http://www.bidabad.com/doc/yaraneh.pdf) تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۸۹/۴/۱۸).

۴- به عنوان نمونه حجة الاسلام حاجی باقرن از اساتید حوزه علمیه اصفهان، در تحلیل خود با عنوان «تقسیم مساوی یارانه‌ها بهترین شیوه هدفمندسازی، بیان می‌دارد که:

۵- «ان ذلک انفع له؛ بیشتری ما برید».

۶- در این زمینه لازم به ذکر است که ابتدا نفت (و همچنین گاز و سایر فرآورده‌های مرتبط) از چاه‌های استخراج و صادر می‌شود و درآمدهای دلاری قابل توجهی توسط دولت کسب می‌گردد. پس از آن دولت بخش عمده‌ای از این دلارها را صرف واردات بنزین کرده و بنزین را به قیمت فوب خلیج فارس به مصرف‌کننده داخلی می‌فروشد (مثلاً لیتری ۴۰۰۰ ریال) و از این راه درآمدهایی ریالی بدست می‌آورد و بخشی از این درآمدها را بین خانوارها (مصرف‌کنندگان) و تولیدکنندگان به صورت نقدی توزیع می‌کند. بنابراین ربا‌های بدست آمده در واقع از فروش نفت که یکی از منابع انفال است تأمین شده‌اند.

۷- رئیس‌جمهور جناب آقای دکتر احمدی نژاد در مناسبت‌های گوناگون به مسئله عدالت در اهداف دولت و به طور خاص در هدفمند کردن یارانه‌ها اشاره داشته‌اند. به عنوان نمونه در جمع مردم گرگان اینطور بیان کرده‌اند که: «مهمترین مأموریت یک دولت اجرا و حاکم کردن عدالت است و هدف از هدفمند کردن یارانه‌ها نیز اجرای عدالت است»؛ به نقل از سایت ریاست جمهوری به آدرس: [www.president.ir](http://www.president.ir)